

سخنرانی دانشمند محترم
آقای صدوائی اشکوری

در اثبات خانمیت حضرت ختمی مرتبت (ص) و اهمیت بعثت آن حضرت

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و ما کنا
معدین حتی نبعث رسولا

شنوندگان محترم بر شما درود باد - موضوع گفتار در اثبات نبوت حضرت ختمی
مرتبت محمد بن عبدالله صلوات الله و سلامه علیه میباشد و چند آیه از قرآن مجید را بعنوان مقدمه
ترجمه و تفسیر میکنم و بعد وارد در تفسیر آیات قرآنی که دلالت صریح بر ختم نبوت و
رسالت نبی اکرم (ص) دارد میشوم.

خداوند میفرماید و ما کنا معدین حتی نبعث رسولا یعنی که شیوه و رویه خدائی
ها این نبوده و نیست که بندگان خود را در دنیا و آخرت غذاب کنیم مگر وقتی که برای هدایت
و راهنمایی و تربیت آنها رسول و مرئی بفرستیم و حجت را بر آنها تمام کنیم و خوب و بد راه
سعادت و شقاوت و وسائل خوشبختی و کامیابی و بدبختی و محرومیت‌های دو جهانی و امور مفیده
و مضره را بآنها برسانیم و نشان دهیم که اگر پس از اتمام حجت و ارسال رسل و انزال کتب
و تکمیل تعلیم و تربیت بوسیله پیغمبران مرتکب کردارهای بد و رفتارها و گفتارهای ناشایسته
عملیات نا هنجار شدند آنگاه آنرا معذب خواهیم داشت

از این آیه بخوبی معلوم میشود که خداوند آن دسته از مردم و مللی که تبلیغات دین
مبین اسلام و یا سایر ادیان آسمانی و حقایق و معارف و دستورات و احکام قرآن مجید بواسطه
موانعی بگوش آنها نرسیده باشد و دسترس بانها پیدا نکرده اند عذاب نمیفرماید زیرا که
معدورند.

و در آیه ۳۸ از سوره ۱۶ میفرماید (واقم بعثنا فی کل امة رسولا) یعنی هر آینه

بتحقیق ما که خدا هستیم برانگیختیم و فرستادیم و مبعوث گردانیدیم در میان هر امتی رسولی را معین . نشد زمانیکه من بشر بیافرینم و بمقتضای لطف و مرحمت و عنایت خود برای ارشاد و تعلیم و تکمیل و تهذیب اخلاق و روح آنها و حفظ انتظامات اجتماعی و انفرادی آنها پیغمبر نفرستم بلکه در همه قرون و ادوار و ازمنه و امکانه و اعصار برای همه ملل و امم و اقوام پیغمبران و رسولانی فرستادیم که معلم و مربی بشر بودند و بر آنها وحی نازل کردیم و کتابهای آسمانی و قوانین کامل الهی فرستادیم که مرامنامه زندگانی بشری باشد و بدیهی است این پیغمبران (چنانچه در سخنرانی قبل عرض کردم) در هر زمانی در حکم معلمین کلاس بشری میباشند که مقام و درجات آنها مختلف و متفاوت است .

چنانچه در آیه ۵۵۴ از سوره ۲۵ میفرماید (تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض) یعنی آن پیغمبران را برتری و فضیلت دادیم بعضی را بر بعضی دیگر و اینها را با تفاوت درجات بلباس بشری برای تکمیل قوای روحانی فرستادیم که از مبداء کسب فیض میگردند و در اثر معاشرت با بشر احکام الهی را برسانند .

قرآن فقط نام قریب سی نفر را یادآوری کرده و بیشتر معرفی نکرده بواسطه وجود مانع یا عدم مقتضی ولی مطابق خبر متواتر از ابوذر غفاری علیه الرحمه که از اصحاب خاص نبی اکرم (ص) میباشد روایت شده ، عده انبیاء صد و بیست و چهار هزار نفر و کتب نازل شده و چهارده کتاب مطابق سوره های قرآن کریم که صد و چهارده سوره است میباشد که دو کتاب بحضرت آدم و پنج کتاب بحضرت شیث و سی کتاب بحضرت ادریس و ده کتاب بحضرت ابراهیم تورات بحضرت موسی ، انجیل بحضرت عیسی ، قرآن بحضرت محمد ابن عبدالله علی نبینا و آله و علیهم السلام بوده است .

از یکصد و بیست و چهار هزار نفر از پیغمبران سیصد و سیزده تن مرسل و پنج نفر از همه برتر و افضل میباشد که اولوالعزم و صاحب شریعت بوده اند که آنها عبارت از نوح نجی الله و ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد حبیب الله صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین میباشد . بعضی از مفسرین کلمه نبی و رسول را با هم مترادف المعنی میدانند مثل انسان و بشر و اسد و ضیغم که در لفظ مغایر و در معنی متحد هستند یعنی هر نبی رسول است و هر رسول نبی است باعتبار اینکه از جانب خدا باو وحی میشود او را نبی مینامند و از

جهت اینکه آن وحی را بمردم میرسانند رسولش میخوانند و از جانب خداوند به ترویج و تبلیغ و انتشار آن مامور باشد و در صورت پذیرفتن پند و اندرز بقتل و جهاد مامور شود و در صورت انکار متکبرین و تقاضای مردم از آنها معجزات و خارق العادات سر میزند که بجز از پیغمبران از عهده تمام افراد بشر آوردن بمثل آن ممکن نباشد و عموم سر عجز در پیشگاه آنان فرود آورند و دسته دیگر از مفسرین بین نبی و رسول عموم و خصوص مطلق قائلند یعنی هر رسولی نبی است ولی هر نبی رسول نیست از لحاظ اینکه از جانب حق بوسیله وحی و الهام بر او خبر و دستور نازل میشود او را نبی میگویند یعنی مبناء عن اله خبر داده شده از جانب خدا و هر گاه بعد از رسیدن وحی باو مامور برساندن به مردم هم باشد میشود رسول و اگر مامور به مردم نباشد فقط نبیست میثامند دیگر رسول نیست.

خلاصه اینکه سلسله جلیله انبیاء و مرسلین باید با براهین قطعی و دلائل عقلیه همه را ملزم کنند و بانها بفهمانند که ای گروه بشر برای حفظ سعادت اجتماعی و بقاء عالم انسانیت وجود نماینده الهی باید باشد، تمام اهل عالم بدستورات و آفیه و کافیه و شافیه و مفید و نافع آنها عمل کنند برای اینکه مردم در شناختن این نمایندگان و عمل بگفتار آنان دچار خبط و خطا و اشتباه نشوند و راه معوج را از راه راست بخوبی تشخیص و چاه را از راه امتیاز دهند.

خدای متعال برای این نمایندگان دلائل و علامات و آثار صدق دعوی را کاملاً آماده و مهیا نموده که بر حسب مقتضی هر عصر و زمان و هر دوره در موقع معارضه و مبارزه با منکرین و معاندین صدق دعوی و حقانیت خودشان را ثابت و مبرهن کنند و مخالفین و تردید کنندگان نبوت و رسالت را مقهور و عاجز گردانند امور خارق العاده و کارهاییکه عادتاً صدور آنها از وجود بشر عادی غیر پیغمبر متمنع شمرده میشد از انبیاء و رسولان الهی در مواقع متعدده و وقایع مختلفه و هزاران معجزات و امور دیگر که از حضرت محمد ابن عبدالله (ص) بمرئی و مسمع همه مخالف و موالف بوده ظاهر گشت و همه این امور را معجزه مینامیم و ادعای نبوت و رسالت بدون داشتن معجزه و آثار داله بر ارتباط آنها با خدا باطل است زیرا که ممکن است هر کس صبح از خواب برخیزد و ادعای رسالت و نبوت کند و دلیل خود را فقط صرف ادعا قرار دهد و اگر از او تقاضای معجزه کنند بگوید نمیتوانم و لازم نیست که پیغمبر دارای معجزات باشد بدیهی است هیچ عاقل زیر بار ادعای بی دلیل نمیرود، پیغمبر باید حتماً دارای معجزه باشد چنانچه همه پیغمبران داشتند.

باری نبوت پیغمبر اسلام بتوده تازیان و اعراب اختصاص نداشته بلکه خداوند آنحضرت را بتمام جهانیان فرستاده است چنانچه در سوره ۲ از آیه ۱۷۵ میفرماید قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا ، یعنی بگو ای مردم همه شما پیغمبر هستم و در سوره ۲۴ آیه ۲۷ میفرماید ما ارسلناک الاکافه للناس بشیراً و نذیراً ولکن اکثر الناس لا یعلمون .

یعنی تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم مژده دهنده و ترساننده ولیکن بیشتر مردم نمیدانند - تا اینجا نبوت و رسالت پیغمبر عظیم الشان اسلام با آیات قرآنی ثابت شد برای اینکه توهم نشود که حضرت محمد (ص) مانند سایر پیغمبران پیغمبری است و ممکن است بعد از آن هم باز پیغمبر و رسولی برای هدایت و ارشاد بشر بیاید خداوند جاوی این توهم غلط را گرفته .

در سوره ۴۳ آیه ۴ میفرماید ماکان محمداً باحد من رجالکم ولکن رسول الله و خاتم النبیین - یعنی نیست محمد پدر یکی از شما ولیکن پیغمبر خدا و خاتم پیغمبران است که خلاصه این آیه چنین میشود که محمد (ص) بشر عادی و فرد معمولی نیست محمد دوست و دوستان و منصب ز جانب حضرت حق دارد یکی اینکه رسول خدا است دوم آنکه خاتم پیغمبران است یعنی مهر کفنده طومار نبوت و رسالت است چون قرآن باصطلاح عرب و زبان تازی نازل شده و رسم اعراب بلکه غیر اعراب چنین بوده که هر کتابی را که مؤلف و مضاف آن کتاب با تمام میرسانید آخر آن را مهر میکرد که یعنی تالیف و تصنیف و مطالب من تا اینجا پایان رسیده اگر پس از این چیزی نوشته شود ربطی بمن ندارد الحاقی و معمول است چنانچه در ایران هم نویسندگان قباله ها ، آخر قباله ها را مهر میکردند و فعلاً معمول است در دفترخانه های رسمی وقتی مطلبی تمام شد آخر آن سطر یا صفحه را با قلم جوهری بزرگ خط مساری یا بعلاوه مینویسند و می بندند که علامت تمامی مطالب است .

همینطور هم خداوند میفرماید که طومار نبوت و سلسله رسالت بحضرت ختمی مرتبت ختم شد بعد از آن تا قیام قیامت رسول و پیغمبر و نبی نخواهد آمد در حدیث معتبر دورد که فرموده اند که حلال محمد حلال الی یوم القیمه و حرامه حرام الی یوم القیمه یعنی هر چه که در دین محمد (ص) حلال است تا قیامت حلال است و هر چه در دین او حرام است تا قیامت حرام خواهد بود و تغیر پذیر نیست .

پیغمبر اسلام فرمود فضات علی الانبیاء بعشر خصال منها ختمت بی النبوه - یعنی برتری

داده شدم بر پیغمبران به دو خصالت که از جمله آنها این است که نبوت بوجود من ختم شد پس از من پیغمبری نخواهد آمد و در حدیث منزلات از پیغمبر اکرم این حدیث شریف که متواتر بین جمیع فرق و مذاهب اسلامی است در شان حضرت مولای متقیان امیر المؤمنین علی علیه السلام وارد شده که فرموده است یا علی انت منی بمنزله هرون من موسی الا انه لا بنی بعدی یعنی ای علی تو نسبت بمن همان حکم و منزلت حضرت هرون را نسبت بحضرت موسی علیه السلام داری مگر اینکه بعد از من پیغمبری نیست یعنی همانطوریکه هرون در زمان موسی پیغمبر بود و بعد از او هم وصی و جانشین او بود تو هم همان رتبه نبوت را در حیات من و صایت و خلافت و امامت را پس از وفات من داری ولی پیغمبر نیستی چون بعد از من پیغمبر نخواهد آمد من خاتم پیغمبران و دین من ناسخ و مکمل همه ادیان است.

چنانچه خداوند میفرماید الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دنیا یعنی امروز بظهور پیغمبر اسلام و نزول قرآن مجید کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را یعنی ارسال رسل و انزال کتب و تعلیم و تربیت آسمانی و تعالیم دینی و الهی را بوسیله پیغمبران و راضی شدم از برای شما اسلام را که فقط دین شما باشد. بعد میفرماید فمن یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة لمن الخاسرین - یعنی پس از این هر کس غیر از دین اسلام دینی را طلب کند خواه ادیان حقه نسخ شده سابقه و یا ادیان ساختگی باطله لاحق باشد هرگز از او پذیرفته و قبول نخواهد شد و آنها در روز قیامت از زبان کاران خواهند بود تا اینجا بطور فهرست دلایل قرآنی بر اثبات خاتمیت بطور فهرست و اشاره بیان شد و تفصیل آنرا در سخنرانیهای بعد انشاء الله بسمع انورتان میرسانم. در پایان از بشارت هائی که در تورات و انجیل در ظهور نور محمدی تصریح شده برای نمونه يك آیه از تورات و يك آیه از انجیل نقل میکنیم.

(۱) در سفر نمثیه تورات باب ۳۳ آیه اول حضرت موسی علیه السلام میفرماید:

و این است بر کتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داد و گفت (آیه ۲) خداوند از سینا بر آمد و از ساعیر بر ایشان طلوع میکنند و از کوه فاران درخشنده میشود

(۱) اقتباس از متن سخنرانی دانشمند گرامی معظم جناب آقای صباح کازرونی رئیس اداره تبلیغات اسلامی ایران است از مجله دارالسلام شماره ۲۳

سینا محل تولد حضرت موسی (ع) و ساعیر محل تولد و بعثت حضرت عیسی (ع) و کوه فاران محل تولد حضرت محمد (ع) است و در دعای سمات که باسناد معتبر از حضرت باقر و حضرت صادق (ع) منقول است جمله ای را که دو امام در موقع دعا ایراد فرموده اند مصداق بشارتی است که حضرت موسی در توراة داده است و آن جمله از این قرار است.

(و بمجدك الذی ظهر علی طور سینا فکلمت به عبدك و رسولك موسی بن عمران و بطلعتك فی ساعیر و ظهورك فی جبل فاران) یعنی به مجدد تو که ظاهر شد در طور سینا پس تکلم کردی بسبب آن با موسی بن عمران و بطاعت تو در ساعیر و ظهور تو در کوه فاران حاصل اینکه اگر بعد از ظهور در کوه فاران پیامبر یا شریعتی از طرف خدا بنا بود بیاید قطعاً حضرت موسی خبر میداد و ختم خبر و پیشگویی بظهور در کوه فاران دلیل بر ختم نبوت و شریعت است بحضرت محمد (ص).

و اما بشارت انجیل راجع بظهور نور محمدی (ص) در باب ۱۴ انجیل یوحنا در آیه ۱۶ حضرت عیسی (ع) میفرماید (اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سوال میکنم و تسلی دهنده دیگری بشما عطا خواهد کرد که همیشه با شما می ماند.

در این آیه اولاً حضرت مسیح خود را پیامبر گفته - ثانیاً خبر از پیغمبری که بعد از او می آید داده - ثالثاً ابدیت شریعت پیامبر بعد از خود را تصریح فرموده که همیشه با شما میماند. و در آیه ۶ از باب ۱۶ انجیل یوحنا این قسم بیان شده است: و من بشما راست میگویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر تروم (فاراقلیط) یعنی (احمد) نزد شما نیاید. و مراد از فاراقلیط بدون تردید حضرت احمد (ع) میباشد و ترجمه کشیشان بروح القدس غلط فاحش و از اشتباه کاربهای کشیشان مسیحی برای نگهداری ریاست خود و گمراهی افراد است. در خاتمه همه را بخدا میسپارم.

والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته